

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۱۳ دسمبر ۲۰۱۴

نفت را بر سر سفره مردم بُردند،

نان را گرفتند!!

حکایتِ ریاکاری، چپاول و دُرُوغ‌گویی‌های دولت‌ها و حکومت‌ها، در حق محروم‌ترین و ضربه‌پذیرین اقشار جامعه، تمامی ندارد. میلیاردها انسان در دنیای سرمایه‌داری محتاج نان و آب و سر پناه‌اند و روزانه، بر سر ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی جان می‌دهند و در مقابل، حاکمان و سرمایه‌داران، در پی زراندوزی و در پی غارت بیش از این، دست‌رنج توده‌های محروم جهان‌اند. عجب دنیایی را طبقه حکومت‌کننده، برای طبقه حکومت‌شونده، چیدمان نموده است و عجب جهانی را ساخته است که در آن، ندارها، ندارتر، و پول‌دارها، پول‌دارتر می‌شوند. در حقیقت چنین روندی ایستا نیست و دامنه آن، روز به روز و ثانیه به ثانیه، گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود. جدا از تعرض خون‌بار به اعتراضات مردمی، افزایش قیمت‌ها و آن‌هم به‌بهانه بالا بُردن "کیفیت" اقلام اولیه زندگی و تحصیلی، شانه‌های خمیده میلیون‌ها انسان محروم را خُرد می‌کند. زندگی در زیر سایه دولت‌های سرمایه‌داری به‌مانند مرگ تدریجی‌ست و چشم‌انداز زندگی بهتر در چنین مناسبات و سیستم‌هایی، محال است. کنترولی در نظم دادن قیمت‌ها و آن‌هم در انطباق با درآمدهای پائین کارگران و زحمت‌کشان نیست. سیاست طبقه سرمایه‌داری این‌روزها و در همه‌جا، واحد است و همه‌جا سیاست "ریاضت‌کشی" را به مردم ندارد، تحمیل می‌کند و رژیم جمهوری اسلامی هم در این زمینه مستثنی نبوده و نیست، همان روند و سیاستی را در حق کارگران و زحمت‌کشان و دیگر توده محروم پیشه خود می‌سازد که سرمایه‌داران بزرگ بین‌المللی در مقابل خود قرار داده‌اند.

به تعبیری، تفاوت بنیادی مابین این نظام‌ها و آن‌هم در حق توده‌های محروم نیست و همه به‌گونه‌ای واحد در پی سر کیسه کردن مردم‌اند. صرفاً، کار و بار این دولت و یا آن دولت، این عنصر وابسته و یا آن عنصر وابسته به نظام نیست و یکی پس از دیگری، مجاز به انتخاب و ادامه همان خط و قدم زدن، در جاده‌ای‌ست که طبقه سرمایه‌داری، برای آنان به رسم نموده است. وعده‌ها در همان حد، وعده باقی می‌ماند و آن‌چه مابه ازای عملی به‌خود خواهد گرفت، تعرض بیش‌تر، به معیشت محرومان و تنگ‌تر نمودن فضای سیاسی جامعه به‌منظور جلوگیری از اعتراضات احتمالی‌ست. نه دولت و عنصر "سازندگی" رفسنجانی، سودی برای مردم داشت و نه دولت "اصلاح‌طلب" خاتمی، بدرد مردم و جوانان خُورد و نه دولت اسلامی احمدی‌نژاد و "مخالف" مفسدان اقتصادی، به‌کار مردم آمد، و نه دولت "امید و اعتدال" روحانی، به دنبال سر راست کردن زندگی و رفع نداری‌های مردم از زیر سلطه نظام امپریالیستی‌ست. قرار و مدارها و وعده وعیده‌ها از جانب دولت‌های متفاوت در این چند دهه، بسیار و بسیاران‌اند و هیچ‌یک، ثمره مثبتی، برای مردم و جوانان نداشت. از یاد گرسنگان، وجود میلیون‌ها کودک خیابانی و میلیون‌ها معتاد و همچنین میلیون‌ها بیکار در جامعه

ایران، گواه این مدعاست که سیستم و مناسبات کنونی، وظیفه و پیغامش برای محرومان، چیزی جز، بدبخت نمودن و به فلاکت کشاندن بیش از این زندگی آنان نیست. یکی - احمدی‌نژاد -، نفت را بر سر سفره مردم بُرد و این یکی - دولت روحانی -، نان را از سر سفره مردم گرفت!! دولت و عنصری که با شعار "برقراری اعتدال" در درون جامعه و تضمین آزادی‌های سیاسی - مدنی به‌میدان آمد و قصد و مقصودش، باز پس‌گیری اموال مردم از حاکمان، زورگویان و سرکوبگران بود!!

به‌طور قطع چنین اراجیفی را باید در ردیف طنز تاریخ گذاشت و دانست که چهره "خدان" و ادعا و زبان "مردم‌دوستی" چنین جانیانی، فقط و فقط در خدمت به روان‌تر نمودن چرخه‌های اقتصاد امپریالیستیست و طبعاً، تاریخ رژیم جمهوری اسلامی را هم، به‌همان گونه‌ای نوشته‌اند که مجریان رنگارنگ آن، بی‌وقفه در پی انجام آنند. مگر می‌شود و می‌توان انتظاری به‌غیر از این، از دست‌اندرکاران و حافظان نظام‌های امپریالیستی داشت و به امید تغییر زندگی مردم محروم و اقشار جامعه نشست؟ توهم است و کم‌ترین باوری بدان‌ها، چیزی جز، انحراف افکار عمومی و مهم‌تر از آن، تطهیر ماهیت کثیف امثالی همچون، رفسنجانی، خاتمی و روحانی و دیگر دار و دسته‌های نظام سراسر استعمار و چپاول نیست. در هر صورت و اگر شعارها و وعده و عید این دولت و یا آن دولت را به کنار نهیم و به کارکرد دولت‌های متفاوت درون نظام جمهوری اسلامی، نیم‌نگاهی بیندازیم، آن‌وقت پی به مضمون و مفهوم حقیقی شعارهای ارائه شده از جانب آنان خواهیم بُرد و به این نتایج روشن دست خواهیم یافت، که نه تنها سیاست‌ها و شعارهای هیچ‌یک از دولت‌ها، در خدمت به سازندگی جامعه و در خدمت به رفع و رجوع پایه‌ی‌ترین نیازهای زندگی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده ایران نبوده و نیست، بلکه در خدمت به چپاول و در خدمت به تخریب زندگانی هر چه بیش‌تر کارگران و زحمت‌کشان بوده و می‌باشد.

حقیقتاً که در این چند دهه، در هیچ عرصه‌ای از معیشت زندگی کارگران و زحمت‌کشان و در هیچ عرصه‌ای از حقوق سیاسی - مدنی را نمی‌توان شاهد گرفت که از جانب سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، مورد تعرض قرار نگرفته باشد. کُشتار مردم و دست‌اندازی روزانه به سفره ناچیز آنان و غارت منابع طبیعی کشور و سرازیر نمودن اموال عمومی به جیب سرمایه‌داران، نمایان‌گر ماهیت حقیقی شعارها و مضامین واقعی دولت‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی‌ست. از همان آغاز دولت‌های رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی، پا به سفره تهی کارگران و زحمت‌کشان گذاشته‌اند و از همان آغاز، سیاست چپاول و دزدی را بنا ریخته‌اند و از همان آغاز، تلاش ورزیده‌اند تا هر آنچه را که در توان دارند، توده‌ها را سر کیسه نمایند. دُروغ ریا و تزویر، جز رفتار و کردار دولتیان متفاوت نظام جمهوری اسلامی بوده و می‌باشد و خلاف آن و گام نهادن آنان در مسیر منفعت مردم، از عجایب به‌حساب خواهد آمد. تخریب جامعه و همچنین روند سراسری زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش را می‌توان در این چند دهه، شاهد گرفت و نشان داد که نه تنها، به زندگی بخور و نمیر توده‌های ستم‌دیده رحم نکرده‌اند و نفت را بر سر سفره مردم نُرَدند، بلکه بر قیمت آن افزودند. سفره مردم در زیر این نظام‌ها خالی‌ست و در عوض، سفره عدّه قلیلی از آحاد جامعه، دارد رنگین‌تر و رنگین‌تر می‌شود. پیشاپیش مردم در تهیه ابتدائی‌ترین و پیش‌پا افتاده‌ترین نیازهای زندگی‌شان - یعنی نان - مانده بوده‌اند و دولت "امید و تدبیر" روحانی هم اخیراً، بر قیمت آن افزود و مردم را در تهیه آن، ناتوان‌تر و آنان را در مخمصة بیش‌تری قرار داده است؛ نانی که در سه ساله اخیر، سه بار افزایش قیمت داشته است و در مقابل دست‌مزدهای ناچیز کارگران و بعضاً عدم پرداخت چندین ماهه و چند ساله از جانب کارفرمایان و صاحبان تولیدی هم، همچنان به‌قوت خود باقی‌ست.

حقوق کارگر را ۶۵۰ هزار تومان می‌دهند و در عوض یک قرص نان سنگگ، از مرز ۷۰۰ تومان گذشته است. خطر فقر را ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان اعلان نموده‌اند و در حالی‌که گوشت، قبوض آب و برق و دیگر مایحتاج اولیه

زندگی، ثانیه به ثانیه در حال افزایش است. "دولت تدبیر و اعتدال" روحانی، از یکطرف بر قیمت نان می‌افزاید و از طرفدیگر، افزایش ۳۲.۵ درصدی نهادهای نظامی را در سال ۱۳۹۴ به مجلس ارائه می‌دهد. مگر به‌غیر از این است که ارائه چنین طرحی، نمایانگر ماهیت درونی دولت "امید و اعتدال" روحانی‌ست و تردیدی در آن نیست که نیاز این دولت و اختصاص بیش از این بودجه نظامی، بهمراتب، بیش از انتخاب سیاست تعادل اقتصادی درون جامعه و همچنین رفع و رجوع زندگی فلاکت‌بار میلیون‌ها انسان تهی‌دست می‌باشد؟

واقعیت این است که این نظام‌ها بیش از هر چیز نیاز به تقویت ارگان‌های سرکوبگر دارند؛ ارگان‌های نظامی که در مواقع شورش و در مواقع خیزش و اعتراضات کارگری - توده‌ئی به‌کارشان خواهد آمد و می‌توانند با استفاده بی‌وقفه از آن‌ها، آینده سراسر نکبت‌بارشان را تضمین نمایند و بر سرمایه‌های نجومی‌شان بیفزایند. بر اساس چنین سیاست و کارکردی‌ست که تأکید می‌گردد، کمترین مغایرت و ناسازگاری، در دولت روحانی با دولت‌های پیشین نظام جمهوری اسلامی نیست و یکی پس دیگری، قدم در میدانی می‌گذارد که دولت‌های قبلی، گذاشتند و مطمئناً و در زیر سایه چنین دولت‌هایی، حال و وضع، و روز و روزگار مردم بهتر از آنچه هم‌اکنون است، نخواهد شد.

بنابر این، چاره کار در نابودی این‌دست دولت‌ها و نظام‌هاست و تا مادامی‌که مناسبات کنونی بر سر جوامع گوناگون و از جمله جامعه ایران سنگینی می‌کند، نان و آب و برق، کرایه و سائل نقلیه و عمومی و دیگر اقلام و هزینه‌های زندگی، رو به صعود خواهد بود و اوضاع کارگران و زحمت‌کشان، وخیم‌تر خواهد شد؛ چاره کار در سازمان‌دادن اعتراضات کارگری - توده‌ئی از جانب مدعیان و مدافعین‌شان می‌باشد؛ چاره کار در عکس‌العمل به‌جا و سازنده نیرو و سازمان کمونیستی‌ست و چاره کار، کار در میان مردم و سامان‌بخشی، به انرژی‌های مبارزاتی‌شان علیه نظام‌های امپریالیستی و وابسته رژیم جمهوری اسلامی‌ست. تا زمانی‌که میدان خالی‌ست و تا زمانی‌که هیچ نیرو و سازمان کمونیستی - و آن‌هم در عمل -، در مقابل نهادها و ارگان‌های متفاوت و سرکوبگر نظام به صف نشود، سران حکومت بر تعرض و بر یکم‌تازی‌های خود و آن‌هم در زمینه‌های متفاوت و از جمله بر قیمت نان خواهند افزود و سر کسبه نمودن بیش از این کارگران و زحمت‌کشان را، پی خواهند گرفت.

۱۲ دسمبر ۲۰۱۴

۲۱ آذر [قوس] ۱۳۹۳